

بیکاری شدید در افغانستان و نصیحت پدران حامد کرزی

[لیزا سروش](#)

کرزی: مردم به گونه غیر قانونی وبه وسیله قاچاقیان انسان به کشور های خارجی سفر نکنند

به صورت عموم تصور میرود که افغانستان با پذیرفتن کنوانسیون ها ، معیار ها و موازین برای تامین حقوق بشر یکی از پرچالش ترین کشورها در سطح جهان است. طیف وسیعی از تخطی های حقوق بشر نشان دهنده وضعیت نا به سامان در این کشور میباشد. تخطی از حقوق اجتماعی و اقتصادی و عدم تامین عدالت اجتماعی ، بارز ترین نوع عواملی اند که در افزایش تخطی های حقوق بشر نقش گسترده و مهمی را در این کشور دارند ولی اساس این تخطی ها تا بی نهایت از یک منبع ، عبارت از (دولت) که بنیه و کارکردهایش مافیایست، سرچشمه گرفته است .

افغانستان بر علاوه مشکلات ناشی از جنگ و بی امنی ، دچار شالودگی های دیگری چون ، نبود کار و سطح زندگی نامتوازن مردم است که این میتواند ریشه اساسی برای توسعه و افزایش ناامنی ، بیماری های روانی ، اعتیاد به مخدر و ده ها مورد دیگر باشد .

در پهلوی سایر دشواری ها ، گاهی مردم از وضعیت موجود و تأثیرات از محیط که پیرامون خود دارند و می اندیشند، کشور که در آن تضمینی برای زندگی کردن نیست و شدید آ زیر خط فقر جهانی قرار دارد ، نارمل است که از اثرات سوء این مساله ، مصیبت های بزرگ اجتماعی باشد.

درضمن ، چنانیکه اوج گرفتن محرومیت ها و محدودیت ها با تعریف و ربط به مسایل سیاسی و شدیداً مذهبی قدرت استقلال مردم رنگ خود را باخته ، هراس میرود که مردم شاید بیشتر از این از امکانات روز ، پیشرفت های تحصیلی ، شکوفا کردن استعدادها و از همه مهمتر امنیت روانی و عاطفی که شرط بقای هر انسان است، محروم شوند.

عدم موجودیت فرصت های شغلی و محیط مناسب کاری مانند کارخانه های دولتی ، سپردن منابع طبیعی چون استخراج معادن و ده ها کار دیگر به بهانه کمبود تجربه کاری به کارگران خارجی در شرایطی که افغانستان از جمع کشور های مصرفی دنیا به شمار میآید، نقض آشکار حق کار برای مردم است و در نتیجه تعداد زیاد مردم بیکار و از ناچاری و فقر عده ای دست به گدایی زده و عده ای راه پر مشقت سفر از طریق قاچاق را اختیار کرده اند.

قرار گزارش سازمان ملل متحد، نزدیک به بیست میلیون نفر در این کشور به خطر گرسنگی مواجه اند. وزارت کار و امور اجتماعی افغانستان میگوید ، بیش از سه میلیون نفر بیکار است .



با وجود این همه نابسامانی ها و بی کفایتی ها، حامد کرزی، از مردم خواسته است که به گونه غیرقانونی و به وسیله قاچاقچیان انسان به کشورهای خارج سفر نکنند.

وی در حالی ابراز تاسف خود را به خاطر ۴۴ کارگر افغان که اخیراً قصد داشتند به جستجوی کار از طریق پاکستان به ایران بروند در نزدیکی شهر کوئته پاکستان در میان یک کانتینر جان خود را از دست دادند و گفته میشود، حدود ۴۰ فرد دیگری که در میان این کانتینر در حال بیهوشی بودند، به بیمارستانهای شهر کوئته منتقل شدند اعلام کرد که این بار نخست نبود که جوانان این کشور با مظلومانه ترین نوع مرگ جان های خود را از بیکاری و فقر که دولت این کشور تا هنوز نتوانست راه حلی به آن سراغ نماید از دست میدهند.

در این حکومت مافیایی، میلیونها نفر بیکار اند، تعدادی که دنبال کار راه کشورهای همسایه و حتی کشورهای عربی و اروپایی را پیش میگیرند، افراد جوان هستند که به گونه غیرقانونی و همراه با قاچاقچیان انسان از بیکاری، افغانستان را به تصمیم مرگ و زندگی ترک می گویند و سرانجام سایه اندوهگین مرگ سراغ روزگار تلخ شان را میگیرند و جان شیرین شان به کام خود میکشاند.



بارهاست که ما شاید ده ها خبر در مانده گی از بابت افغان بودن هستیم اما گوش کر مقامات افغان نه گریه و زجر کودک چند ماه الی چندساله را میشوند و نه ترحمی بر جوانان این کشور دارد. "زربی بی" مهاجر زن، افغان و ده ها جوان افغانی دیگر را در حکومت اسلامیست ایران اعدام میکند، یا میگویند اطفال افغانی را پلیس ایتالیا از فاضلاب دریافت نموده و به صد ها درد پنهان دیگر اما این اخبار در اوضاعی نشر میشود که این حکومت مزدور و آله دست آی آس آی، توان حمایت از مردم زجر کشیده را ندارد.

کرزی که اساس دولتش برای تعهدات سیاسی و مافیای بودن گذاشته شده بود، مثله نان، آب، روزگار، بی روزگاری، کار و مرگ برای دریافت لقمه نان را برای کسب قدرت سیاسی و تمایل به آبهای گرم آسیایه ی میانه در محراق مسایل اجتماعی جا نداده بود و یا جا نداشت تا بندی را در قرارداد، نفوس نیروی های بیرونی به افغانستان در رابطه بگنجانند.

هر چند از نظر من "شاید هر کسی به جای کرزی باشد نتواند کاری را بنابر نداشتن دست باز و یا اشکارا تر نسبت استعمار در قالب (تامین دیموکراسی نوین) در افغانستان انجام دهد" ولی استقلالیت هم در اوضاع کنونی وبدون موجودیت نیروهای بیروی به دلیل قدرت و رشد سریع دوباره تروریزم و طرح پلان زمانی برای انجام هدفهای پنهان نا ممکن است. هر چند حالا افغانستان قربانی تروریزم و تجاوز نه، که قربانی مشکلات درونی کشور های همکار در از بین بردن ترویزم شده است. توجه به وضعیت مردم و فقر در رده های پایانی و موارد مربوط به زندگی جوانان که اصلاً مساله بحث بر انگیز نه برای خارجی هاست و نه برای این دولت مستعمره.

از جمع خدمات تقریباً هشت ساله دولت فاسد کرزی، بعد از سقوط رژیم سپاه طالبان، برای جوانان تنها و تنها ایجاد وزارت به نام جوانان که در اول مستقل و اکنون به نام فرهنگ و جوانان یاد میگردد میباشد. هر چند اساس این وزارت هم در پی معامله ی با جبهه متحد در رأس استاد ربانی صورت گرفت و خانم افضلی که زمانی از زنان همسنگر جهاد است، به پاس خدمات ظاهرانه به زنان، شلاق ماهرانه به استاد ربانی و سوء استفاده از نفوس استاد و جبهه متحد در سایر ولایات خصوصاً بدخشان اساس گذاشته شده بعد از ختم زد و بند ها ی سیاسی به معنیت جوانان تشکیل خورد گردید و مدغم به وزارت فرهنگ و جوانان به مدیریت خرم (سرباز حزب اسلامی) نه که، ترقی نکرد بل عکس در عمق افکار بنیاد گرایی انقدر فروع رفت که نمیدانم چی آینده سپاهی را از این زمام داری به تاریخ خواهیم سپرد؟

مرحله جوانی چه از نظر اقتصادی و اجتماعی و چه از نظر عاطفی و روانی در زندگی آینده فرد تأثیراتی غیر قابل انکار دارد که میشود این تأثیرات با افکار منفی ظاهراً فریبنده مثبت انواع ناهنجاری هارا در بین جوانان رشد دهد که هم اکنون ما دچار آن هستیم. در سالهای اخیر قاچاق انسان و اعتیاد از عمده ترین پدیده های این ناهنجاری هاست.

خجالت آمد، که شنیدم، کرزی به مرگ جوانان تأسف میکند، مگر که قاضی خاین او دستور بیست سال زندان کامبخش را نداد، آیا این مرگ تدریجی نیست؟



هر کسی حق آزادی و امنیت شخصی دارد هیچ کسی را نمی توان خود سرانه (بدون مجوز) دستگیر یا بازداشت (زندانی) کرد، هیچ کسی را نمی توان سلب آزادی کرد مگر به جهات و طبق آئین دادرسی مقرر به حکم قانون. " ماده 9 کنوانسیون حقوق سیاسی و مدنی (ICCPR)

"هر کس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد." (ماده 3 اعلامیه جهانی حقوق بشر)

"آزادی حق طبیعی هر انسان است این حق جزء آزادی دیگران و مصالح عامه که توسط قانون تنظیم می گردد، حدودی ندارد. (ماده 24 قانون اساسی افغانستان)



معمولاً جوانان داري یک حریم خصوصی هستند که در آن خیلی اتفاقات می افتد ولی نظر به شرایط و یا فضای ماحول خود نمی توانند انرا بیرون کنند و اگر کنجکاوی و یا درایت فکری در کار بود ، تلاش شان در حکومت های مستبد مثل حکومت فعلی افغانستان که هر حرکتی را با مذهب تعریف و توصیف کرده جرم و هنجار شکنی حسابش می شمارند. این گونه حکومت ها سر نوشت هر انسانی را برای بقای کاذب خود تباه کرده اند که افغانستان و ایران از جمع نمونه های بارز آنند.

هر چند بیکاری نه تنها در کشور های توسعه نیافته معضل نیست که تعدادی از مردم در کشور های صنعتی هم از این پدیده رنج میبرند اما در افغانستان متأسفانه نه تنها برای رفع بیکاری و کمک به بیکاران جامعه کاری صورت نمیگردد بلکه در طی این همه سال های حکومت کرزی این مشکل افزایش یافته است .

بیکاری تنها مشکل اجتماعی نیست بلکه سبب بالا رفتن گراف نا امنی ها در کشور شده است و از عدم رسیدگی به این مشکل احتمال رجوع گروه های بیکار به صفوف مخالفان دولت متصور است و بر خورد متحجرانه دولت شاید بیش از این هم باعث دوگانه کردن زندگی مردم شود تا عادت کنند که بیرون مدرن و دورن قبیلوی دارند.